

زنان در ادبیات کودک و نوجوان چین

تصویر زنان در ادبیات کودک و نوجوان جامعه چین، وضعیت فرهنگی و اجتماعی خاص پس از آزادی ملی سال ۱۹۴۹ را منعکس می‌کند. این تصویر واقعی از دگرگونی نقش زنان در خانواده و جامعه، نه تنها به خواننده بینش وسیعی از زندگی کودکان چین معاصر ارائه می‌دهد، بلکه اختلاف و تضاد میان دیدگاه‌های کنونی در قبال مسائل زنان و فرهنگ سنتی چین را به خوبی آشکار می‌کند.

هر روزه بر تعداد زنان نویسنده و مؤلف افزوده می‌شود و آنها توانایی‌های ادبی منحصر به فرد، حساسیت‌ها و دیدگاه‌های خلاق خود را در کار نشان می‌دهند. در نوشته‌های زنان چین، قربانی شدن زنان در جامعه فئودالی، به شکلی خاص، به تصویر کشیده شده است.

در واقع، زنان سنتی چین، می‌بایست به این سفاصل پای‌بند و وفادار می‌مانند و بنان عمل می‌کردند. به عبارتی، باید فرمانبرداری خود را، پیش از ازدواج به پدر، بعد از ازدواج به همسر و پس از مرگ همسر، به فرزند پسر خود نشان می‌دادند.

در عین حال، از نظر جامعه سنتی، زن می‌بایست زیبا، خوش‌رفتار، خوش‌اخلاق و سخت‌کوش و جدی می‌بود. در حقیقت، زندگی زنان بر این اصول استوار بود: پرورش فرزند پسر، احترام به خانواده همسر، کم‌حرفی، حسادت نوززیدن و مهربانی. چنانچه زنی فاقد این رفتارها می‌بود، از سوی جامعه طرد می‌شد و شوهر حق نداشت زنش را طلاق بدهد و او را

نویسنده: (جین جین) JinJin
مترجم: شقایق قندهاری



داستان‌های نوجوانان، بر فرآیند رشد و بلوغ دختران در جامعه پیشرفته و پیچیده توجه دارند در داستان‌ها آزرده‌گی خاطر دخترها به علت طلاق پدر و مادرشان نمایان است آنها پس از جدایی والدین خود، دچار توهم و سردرگمی می‌شوند

نزد خانواده پدری می‌بایست!

چهره و تصویر جدید «مادر»

در جامعه چین مدرن، زنان از فرصت‌های شغلی مناسبی برخوردار هستند و بدین ترتیب زنان بیشتری جذب بازار کار شده‌اند. زنان در جامعه کنونی، بیشتر تلاش می‌کنند و از نظر مالی استقلال دارند. اکنون آنها چون دوران سابق، تحت سلطه اقوام شوهر و یا نیروهای فئودالی نیستند، بلکه با قدرت، اختیار زندگی خود را به دست گرفته‌اند.

در داستان (Fei Chuan) به معنی «کشتی بی‌مصرف» نوشته (Xuejun pang) که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد، بیوهای با کار طاقت فرسا در یک کارخانه، پشتیبان دخترش «بیان‌بیان» می‌شود و در صدد استپای او را معالجه کند. مادر برای مراقبت از دخترش، فداکاری می‌کند و تن به ازدواج مجدد نمی‌دهد. همچنین در داستان دیگری به نام «شورش در خانه» چاپ سال ۱۹۹۰، مادری به تنهایی با کار شبانه‌روزی در یک کارخانه نساجی، دو دختر نوجوان خود را بزرگ‌می‌کند. شوهر این زن در شهر دیگری مشغول به کار است. اگرچه به ظاهر خانواده‌ای وجود دارد، اما آشکارا نقش ووظایف افراد در خانواده، جایجا شده است. در این خانواده، درآمد خانواده به کسب و کار زن خانواده وابسته است. بدین ترتیب، زمانی که مرد نزد خانواده خود برمی‌گردد، از مشاهده موقعیت ممتاز همسرش در خانواده، احساس ناراضی می‌کند؛ چرا که برطبق سنن، او عادت کرده که همیشه در خانواده، از موقعیت‌تر برخوردار باشد.

هر دو داستان، به زندگی معاصر چین مربوط هستند؛ چون تأثیر برابری جنسی را در ازدواج و روابط خانوادگی نشان می‌دهند.

افزایش نرخ طلاق در چین امروز، موجب خلق داستان‌هایی درباره زنان در نقش‌های غیرسنتی گشته است. همچنین طلاق، تصویر جدیدی از نامادری خلق کرده است. او دیگر همچون داستان‌های عامیانه گذشته، فرد بدجنسی نیست؛ در گذشته این باور بود که «سن ترجیح می‌دهم از دستورات پدرم در همه امور پیروی کنم تا اینکه شاهد ازدواج مجدد او باشم.»

در داستان‌هایی که هم اینک نوشته می‌شود، نامادری، زن مهربان و صادقی است که از دخترهای شوهر، حتی بهتر از فرزندان خود مراقبت می‌کند!

مادر بزرگ در عصر تغییر و تحول

رفتار یا مادر بزرگ در داستان‌های کودکان و نوجوانان، به مسئله حساس شکاف و اختلاف میان نسل‌ها، در روابط خانوادگی اشاره دارد. مادر بزرگ سنتی، خوش‌قلب و خوش زبان نشان داده می‌شود. باین حال، حضور او در خانواده، برای پرورش فرزندان بعبور از اختلاف با دختر و یا عروسش

می‌انجامد. در واقع، نسل جدید از اصول علمی و پزشکی پیروی می‌کند، اما مادر بزرگ بر سنت‌ها تکیه دارد. در داستان «مادر بزرگ، مادر و سن» نوشته «لان وانگ» (چاپ ۱۹۹۰)، دختری، راوی تنش میان مادر و مادر بزرگ خود می‌شود. اختلاف و درگیری میان این دو نفر، به تنهایی و انزوای مادر بزرگ می‌انجامد. این داستان، سؤال مهمی را در ذهن ایجاد می‌کند: آیا آموزش‌های مادر بزرگ‌ها در جامعه مدرن چین از رده خارج شده است؟

داستان دیگری که نقش دگرگون شده مادر بزرگ را در خانواده به تصویر می‌کشد، داستانی است به نام «آیاس هنوز نوه مادر بزرگم هستم؟» این داستان را خانم (Hualiang Xie) نوشته و در اوت ۱۹۹۰ به چاپ رسیده است.

زمانی که نوه مادر بزرگ، به مدرسه می‌رود و دیگر نمی‌تواند مصاحب مادر بزرگ باشد، مادر بزرگ ناراضی و غمگین، در محوطه بیرون خانه می‌نشیند و از پس آنناز سالیان عمر خود، به هر بچه‌ای که حاضر می‌شود توقف‌کند و حرفه‌هایش را بشنود و با او حرف بزند، سکهای می‌دهد. در هر دو داستان، از بین رفتن تدریجی ساختار خانوادگی سنتی مشاهده می‌شود. از آنجایی که بیشتر زنان جوان در بیرون از خانه کار می‌کنند، مادر بزرگ در خانواده، حکم یک کارگر را پیدا می‌کند بدین ترتیب زمانی که او نوه‌های خود را بزرگ می‌کند دچار احساس یوچی و خلاء می‌شود؛ چون در واقع کسی او را نمی‌خواهد!

آموزگار متعهد

شخص مونت دیگری که در کتاب‌های کودک و نوجوان نقش پراهمیتی دارد، مربی و آموزگار است. معلم‌هایی که از سیستم آموزشی قدیم پیروی می‌کنند، به دلیل محدود کردن استقلال و آزادی کودکان و نوجوانان، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. در داستان «کشتی بی‌مصرف» معلم «بیان‌بیان» خانم یو، زن دوست‌داشتنی و مؤدبی است. اگرچه او با بیان‌بیان، رفتار خوبی دارد اما زمانی که به سرعت آهن توسط بیان‌بیان می‌برد، به شدت ناراحت و آزرده خاطر می‌شود. بیان‌بیان، برای کمک به مادر فقیر خود، از یک کشتی بی‌مصرفه تکه‌های آهن را بر می‌دارد و می‌فروشد. خانم یو او را به شدت سرزنش می‌کند: «این مسئله خیلی جدی است. تو با این سن کم چطور می‌توانی به پول فکر کنی؟ تو باید بدانی که این کشتی جزو اموال دولت است. بهتر است کشتی زنگ بزند و بیوسد تا اینکه کسی مثل تو از آن بهره ببرد.»

این برخورد به ظاهر منطقی خانم یو، بیان‌بیان را شگفت زده می‌کند. در واقع، اصول رفتار جدی خانم یو، کشتی او را به سوی آموزش و پرورش سنتی نشان می‌دهد؛ چرا که

خانم یو، متوجه توانایی یک نوجوان احساس استقلال و تمایل او برای بهبود وضعیت زندگی خود نیست. بدین ترتیب این داستان تضادها و اختلافات میان رفتارهای سنتی و مدرن را منعکس می‌کند.

یک معلم ایده‌آل، دارای احساس مسؤولیت اجتماعی است و در قبال کار و دانش‌آموزان خود، حس انسان دوستی دارد. در داستان، «مرور برنامه‌مصیحاگی در کلاس درس» (چاپ ۱۹۹۱) معلم جوان دلسوزی، صبح خیلی زود عازم مدرسه می‌شود تا خود را برای تدریس آماده کند. وقتی به مدرسه می‌رود، در مدرسه هنوز بسته است و او دختر خود را به درختی در مقابل مهدکودک می‌بندد تا بتواند به تمرین خود بپردازد. این معلم وقتی عصر هنگام به خانه برمی‌گردد، با انبوهی از لباس‌های کثیف و بخاری خاموش روبه‌رو می‌شود. او از اینکه نتوانسته کارهای خانه را انجام دهد، احساس گناه می‌کند. این داستان، درگیری و اختلاف میان مسؤولیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای یک زن را بانقش او به عنوان یک مادر و همسر نشان می‌دهد.

دختر نوجوان

در حالی که جامعه چین به فضای بازتری دست یافته، تصویر دختران نوجوان هم متنوع‌تر و برجسته‌تر شده است. داستان‌های نوجوانان، بر فرآیند رشد و بلوغ دختران در جامعه پیشرفته و پیچیده توجه دارند. در داستان‌ها آزرده‌گی خاطر دخترها به علت طلاق پدر و مادرشان نمایان است. آنها پس از جدایی والدین خود، دچار توهم و سردرگمی می‌شوند. همچنین در داستان «خواهر کوچکی با موهای مشکلی» «زونگ گوان» تجارب دختری را به تصویر می‌کشد که می‌کوشد با ازدواج با مردی ثروتمند، سعادت و خوشبختی خود را تضمین کند. در حالی که او با جسارت در مقابل تعصبات جامعه می‌ایستد، متوجه رفتار ناشایست خانواده همسرش می‌شود. او به دلیل سادگی و صلاقت خود، مورد سوءاستفاده آنها قرار می‌گیرد. بررسی شخصیت‌زنان در نمونه‌هایی که از کتاب‌های کودک و نوجوان چین امروز مثال زدیم، بوضوح نشان می‌دهد که در جامعه مدرن چین، زنان از موقعیت خوبی برخوردار هستند. نقش زنان، مادرها، مادر بزرگ‌ها و زنان جوان در ادبیات کودکان و نوجوانان، گسترش یافته است. به وسیله این نقش‌های متنوع و مختلف، آنها بر جامعه و کودکان و نوجوانان، تأثیری ماندگار خواهند گذاشت.

منبع:

Bookbird (Spring 1996)

* جین جین برای انجمن ناشران چین کار می‌کند. همچنین وی آموزگار است و زبان انگلیسی درس می‌دهد.